

«کار و تلاش»

آموختنی‌ها

- ۱ معنا و مفهوم ابیات درس
- ۲ ترتیب واژه‌ها در جمله
- ۳ مفهوم کار و عمل در زندگی
- ۴ تبدیل نظم به نثر ساده
- ۵ آشنایی با کلمات مخفف
- ۶ آشنایی با پروین اعتصامی و عبدالرحمن جامی شاعران برجسته‌ی ایرانی

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

صبور: بردباری، شکیبا
تیره دل: بد انبش
خاکدان: دنیای خاکی، این جهان
تنی چند: چشمتی، چینه نتر
اندرون: درون
مسکین: بیچاره، بی نوا، نیازمند، تهیدست
توشه: خوراک اندک یا خوراک برای مدت معینی، آذوقه‌ی سفر

کامکار: خردش پخت
سور: جشن
ژرف: گود، عمیق
خور و خواب: خوردن و خوابیدن
مستوده‌اند: سیاه‌پوش گردیده

خاکیان: انسان‌ها
پیکران: بنیان، پایه
اعتماد: اطمینان
فارغ: راحت، آسوده
قادر: با قدرت

کلمات متضاد

مسکین ≠ ثروتمند
عاقل ≠ نادان
حاضر ≠ غایب

اسراف ≠ صرفه‌جویی / قناعت
فراز ≠ نشیب / فرود
غافلان ≠ هشیاران

پیری ≠ جوانی
راست‌گویی ≠ دروغ‌نویسی
هشیار ≠ بخاطر

کلمات هم خانواده

رحمت، خیراحم، خناعت
قناعت، قانع
فارغ، فراغت

حضور، حاضران، محضر، غافل، انظار، غفلت، غافلان
ملک، مالک، املاک
حسود، حساد، حسد - حاسه



برای پیشرفت بیشتر و جهش در علم و دانایی، باید با تأمل درس خواند اما تلاش و پشتکار بال دیگر این پرواز است. با تلاش، تکرار و تمرین بسیار می‌توانیم به آنچه آرزو داریم، برسیم. در راه رسیدن به آرزوهایمان، ممکن است مشکلاتی پیش بیاید، ولی کوشش و تلاش آن‌ها را از سر راهمان دور می‌کند و راه را برایمان هموار می‌سازد تا به آنچه می‌خواهیم برسیم.

- به راهی در سلیمان دید موری که با پای ملخ می‌کرد زوری
 حضرت سلیمان در راه مورچه‌ای دید که پای ملخ را به زور می‌کشید.
- به زحمت، خویش را هر سو کشیدی وز آن بار گران، هر دم خیدی
 با زحمت زیاد خود را به هر طرف می‌کشید و هر لحظه زیر بار آن بار سنگین خم می‌شد.
- ز هر گوردی، بیرون افتادی از راه ز هر بادی، پریدی چون پر گاه
 با برخورد هر ذره‌ای از راهش بیرون می‌افتاد و از وزش هر بادی، مانند کاهی می‌پرید.
- چنان بگرفته راه سعی در پیش که فارغ گشته از هر کس جز از خویش
 آن چنان در کار خود کوشش می‌کرد که انگار به چیزی جز به کار خودش مشغول نبود.
- به تندی گفت: «کای مسکین نادان! چرایی فارغ از ملک سلیمان؟
 حضرت سلیمان با خشم گفت: ای بیچاره‌ی نادان! چرا از پادشاهی سلیمان بی‌خبری؟
- یا زین ره به قصر پادشاهی بخور در سفره‌ی ما هرچه خواهی
 از همین راه، برو به سوی قصر پادشاهی ما و هرچه می‌خواهی در سفره‌ی ما بخور.
- چرا باید چنین خوابه خوردن تمام عمر خود را بار بردن
 دلیلی ندارد که این طور غصه بخوری و تمام عمر خودت را باربری کنی.

ره است اینجا و مردم رهگذارند مبدا بر سرت پایی گذارند

اینجا وسط راه است و مردم هم از اینجا می‌گذرند. مبدا پا رویت بگذارند.

مکش بیسوده این بار گران را میازار از برای جسم، جان را

بیسوده این بار سنگین را به دنبال خودت کنش و به خاطر خوراک، جست و جانت را آزار نده.

بگفت: «از سوره کمتر گوی با مور که موران راه قناعت خوش‌تر از سوره

مورچه گفت: «با مورچه در مورد جشن و مهمانی صحبت نکن؛ زیرا آن‌ها خرسندی و قناعت را از مهمانی بیشتر دوست دارد.

نیفتد با کسی ما را سر و کار که خود، هم توشه داریم و هم انبار

نیاز و احتیاج ما به کسی نیست، زیرا ما مورچه‌ها، هم غذا داریم و هم انبار آذوقه.

مرا امید راحت‌هست زین رنج من این پای ملخ، ندهم به صد گنج»

من به امیدی که به آسایش‌های آینده دارم این رنج را می‌کشم و این پای ملخ را بلا صد گنج عوض نمی‌کنم.

گرت همواره باید کمک‌کاری ز مور آموزه رسم بردباری

اگر می‌خواهی همیشه سعادتمند و کامروا باشی، راه و رسم بردباری را از مورچه بیاموز.

مرو راهی که پایت را بینند مکن کاری که هشیاران بخندند

وارد راه‌هایی نشو که گرفتارت کنند و دست به کارهای جاهلانه‌ای زن که دانایان مسخره‌ات کنند.

که تدبیر، عاقل باش و بینا ره امروز را مسپار فردا

هنگام تصمیم‌گیری، عاقلانه و با بینش تصمیم بگیر و راهی را که امروز باید بروی، به فردا نینداز.

بکوش اندر بهار زندگانی که شد پیرانسی پیری، جوانی

در آغاز جوانی به سعی و تلاش مشغول باش؛ زیرا سرمایه‌ی تلاش دوران جوانی، زبور روزگار پیری است.



نیایش

این درختان اند همچون خاکیان دست‌ها پر کرده‌اند از خاکدان

👂 درختان همانند انسان‌هایی هستند که دستانشان را از زر خاک به سوی آسمان بلند کرده‌اند.

با زبان سبز و با دست دراز ز ضمیر خاک می‌گویند راز

👂 انگار با برگ‌های سبزشان که مانند زبان است و شاخه‌ی دست‌هایشان، از اسرار درون خاک دارند سخن می‌گویند.

خدایا! همه‌ی کارها را با نام تو آغاز و با یاد تو به پایان می‌رسانیم. از تو در تمام کارها یاری می‌خواهم. به ما آرامش، موفقیت و توفیق خدمت به خلق را عطا کن! ای که تو بخشنده‌ترین و مهربان‌ترینی!

بخوان و بدان



(هن) نثر
تفاوت «نثر» و شعر «نظم»

★ شعر، نوشته‌ای است موزون و دارای آهنگ، که ممکن است واژه‌ها و اجزای جمله، به ترتیب در جای خود قرار نگیرند.

★ نثر، نوشته‌ای است دارای نظم، که واژه‌ها و اجزای جمله به ترتیب و سر جای خود قرار دارند.

★ برای اینکه شعر را به راحتی معنی کنیم و اجزای جمله را تشخیص دهیم، ابتدا ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها را در مصراع یا بیت مرتب و بعد به راحتی معنی می‌کنیم.

🖍️ **مثال:** بیا زین ره به قصر پادشاهی ← از این راه، به قصر پادشاهی بیا.

کلمات مخفف

★ گاهی برای زیبایی و آهنگ شعر، برخی از کلمات به صورت مخفف یا کوتاه‌شده، نوشته می‌شوند.

🖍️ **مثال:** پادشه ← پادشاه ره ← راه زین ← از این

اجزای جمله

به ترتیب قرار گرفتن کلمات در جمله به همراه مثال دقت کن.

★ جملات دو قسمتی: نهاد + فعل (خورشید درخشید).

★ جملات سه قسمتی: نهاد + مفعول + فعل (علی کتاب گلستان را خواند.) (پسرم غذایت را بخور.)

★ جملات سه قسمتی: نهاد + متمم + فعل (بچه‌ها در کلاس خندیدند.) (بچه‌ها به پارک رفتند.)

★ جملات سه قسمتی: نهاد + مسند + فعل (فرهاد خوشحال بود.) (هوا سرد شد.)

★ جملات چهار قسمتی: نهاد + مفعول + متمم + فعل (خبرنگار روزنامه جریان حادثه را از مردم محل پرسید.)



نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم.

مفعول: کلمه‌ای است که کاری بر آن واقع شده و نشانه‌ی آن حرف (را) است که می‌تواند در جمله نباشد ولی در معنا به جمله اضافه شود.

متمم: کلمه‌ای است که تمام‌کننده‌ی جمله است و بعد از حرف اضافه (از - به - با - در -) می‌آید.

مسند: صفت یا حالتی است که آن را به نهاد نسبت می‌دهیم.

راه تشخیص نهاد، مفعول و مسند در جمله و شعر:

نهاد	مفعول	مسند	اجزای جمله
چه کسی + فعل؟ چه چیزی را	چه کسی را + فعل؟ چه چیزی را خواند؟	چطور + فعل؟ چگونه	سؤالات تشخیصی
چه کسی خواند؟ علی نهاد	کتاب گلستان را مفعول	فرهاد چگونه بود؟ مسند	مثال

املا دان

یکی از راه‌های تقویت مهارت املا، دانستن و به کار بستن هم خانواده‌هاست. اگر شما کلمات هم خانواده را بشناسی، به راحتی می‌توانی املا درست آن‌ها را بنویسی. سعی کن کلمه‌های هم خانواده را در هر درس بیابی، آن‌ها را دسته‌بندی کنی و هم خانواده‌های جدیدی به آن‌ها اضافه کنی. با توجه به درس هفدهم به سؤالات پاسخ بده.

الف: کلمه‌های زیر را دسته‌بندی کن و در قسمت مربوطه بنویس.



نادان ≠ عاقل
مسکین ≠ توانمند
قناعت ≠ اسراف
هشیار ≠ غافل
محترم و احترام در رحمت و حرام
حسیب و محبت

متضاد

هم خانواده

ب: یک بند بنویس و در آن از حداقل ۴ کلمه‌ی هم خانواده استفاده کن.

بمهره دانش آموز



تمرین

۱ هر کلمه را به کوتاه شده‌ی آن و یا برعکس وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



۲ درستنی و نادرستنی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستنی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: مور، سلیمان را به مهمانی دعوت کرد.

ب: در قسمت آخر هر جمله فعل قرار می‌گیرد.

پ: «آرامستن» هم معنی «پیرایه» است.

ت: مادر ابوریحان «مهرانه» و پدرش «احمد» نام داشت.

۳ کلمات هم‌آهنگ بیت‌های «فرد»، «راز روی» درس مشخص کرده و به همراه حروف مشترک در کادر بنویس. (به نمونه توجه کن)

<p>آهنگارند - نازند... بیت ۸</p>	<p>ناخان - سیان... بیت ۵</p>	<p>راه - گاه... بیت ۳</p>	<p>موری، زوری... بیت ۱</p>
<p>بیا - عزا... بیت ۱۵</p>	<p>طعماری - بددباری... بیت ۱۳</p>	<p>کار - انبار... بیت ۱۱</p>	<p>گزل را - جان را... بیت ۹</p>

۴ کلمات زیر را با «ان» به صورت جمع در جدول بنویس.

ه	م	گ	ا	ن	۱		
ح	س	و	د	ا	ن	۲	
پ	ر	ن	د	گ	ا	ن	۳
ه	ش	ی	ا	ر	ا	ن	۴
ه	م	ر	ا	ه	ا	ن	۵

۱. همه

۲. حسود

۳. پرنده

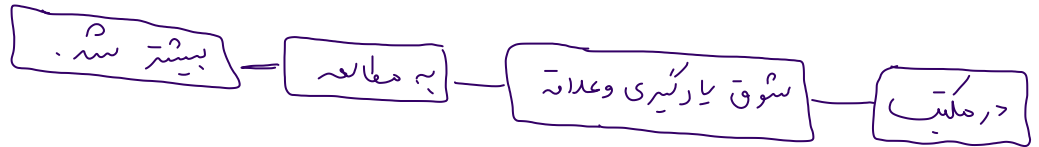
۴. هشیار

۵. همراه

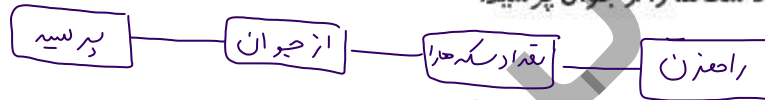


۵ نمودار مربوط به هر جمله را رسم کن.

الف: پدر و مادرم، شوق آموختن را در من به وجود آوردند.



ب: راهزن تعداد سگ‌ها را از جوان پرسید.



۶ مفهوم و معنای مصراع‌های زیر را بنویس.

الف: گه تدبیر، عاقل باش و بینا

ساده‌نویسی: مَرَقَعِ نَدْرُکِ دَنَدِ عَاقِلِ و بِنِیَا بَاشِ

ب: ره است اینجا و مردم رهگذارند.

ساده‌نویسی: اَیْنَجَا رَهِ اِسْتِ و مَرَدَمِ رَهِ گَزارَندِ

۷ تصویر زیر به کدام ضرب المثل اشاره می‌کند؟



ضرب المثل:

بِهَسِ بَرایِ رَفتنِ بِه اَز لَعلِ اَز تَنگِ

۸ کلمه‌های هم آهنگ بیت‌های ۴ و ۶ و ۱۲ را بنویس، سپس آنها را در یک بند روایتی، به کار ببر.

بیت ۴: بَسِ / عَوضِ
بیت ۶: بَدِ سَاقِ / خَدا
بیت ۱۲: بَلَجِ / کَمَخِ

بعضی دانش آموزان



با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: سراینده شعر «کلر و تلاش» است.

(۱) خیتام نیشابوری (۲) حافظ شیرازی (۳) پروین اعتصامی (۴) جامی

ب: در «نمایش»، به بررسی و بازخوانی داستان و انتخاب یکی از شخصیت‌ها، می‌گوییم.

(۱) صحنه پردازی (۲) انتخاب نقش (۳) اجرای نمایش (۴) نقد و بررسی

پ: کدام نام، مناسب جای خالی در عبارت زیر است؟

در سال ۴۰۹ هجری قمری، عزم سفر به هند کرد و من (ابوریحان) نیز همراه او شدم و از این فرصت به دست

آمده، استفاده کردم و زبان مردم آن سرزمین را فرا گرفتم.

(۱) سلطان مسعود غزنوی (۲) سلطان محمد خوارزم شاه (۳) سلطان محمود غزنوی (۴) امیر نوح سامانی

ت: مَثَل «تا تنور گرم است، نان را بچسبان، چه چیزی را بلاگو می‌کند؟

(۱) فرصت طلبی (۲) شکیبایی (۳) احتیاط (۴) تحمّل

ث: حضرت سلیمان، مورچه را از چه می‌ترساند؟

(۱) گرسنگی (۲) غصه (۳) زیر پا ماندن (۴) سنگینی بار

ج: در کدام گزینه «ترکیب وصفی، وجود ندارد؟

(۱) ملک سلیمان (۲) بارگران (۳) جوان صادق (۴) کار ناپسند

